

### یادداشت

## تشنه‌کامان چشم‌انتظار

## و بی‌قراران مدارِ دیگر

✽ محمدتقی مرتاض هجری



در پس زمینه‌ای از رمز و راز و با شیوه نمادی (سمبلیک) مطرح، تا نگاه‌ها را به موضوع بیشتر نزدیک سازد.

استفاده از نمادگرایی در شعر یکی از وجوه ضروری آن از دیرباز و از گذشته دور مطرح بوده است. تاثیر و نفوذ آن بر مخاطب را یکی از ویژگی‌های درون مایه شعر می‌دانند و چه بسا دیرماندگی آن را به همین نمادگرایی و رمز و راز دانسته‌اند.نمادپردازی علی‌رغم اینکه برای شاعر نوعی شیوه کلامی و لذت هنری محسوب می‌گردد، در اصل گریز از فشار و تضییقاتی است که شاعر را با محدودیت‌ها روبرو می‌سازد. شاعر با به‌کارگیری نماد پوششی برای بیان دیدگاه خود فراهم می‌سازد تا با بازتاب عوامل بازدارنده منفی و سلبی مواجه نگردد و بتواند از عواقب و عوارض حاشیه‌ها دور بماند. شکی نیست که نمادپردازی در ادبیات قدیم ایران، یا در دوران معاصر جایگاه خاصی داشته،صورت‌های مختلف آن را می‌توان در آثار بزرگان ادب فارسی، ادبیات تعلیمی و در شعر نو و سپید مشاهده کرد.

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در مجموعه شعر( طفلی به‌نام شادی) که اخیرا چاپ و نشر یافته است، با تاثیرپذیری از شیوه نمادگرایی و فراهم کردن زمینه موردنظر معانی تازه‌ای را در قالب و شکل نو ارایه داده است تا به نوعی دیگر دیدن را به مخاطب لقاہ کند.اصولا نمادپردازی در شعر اهتمام به نشان دادن واقعیت‌هایی است که بیان صریح آن خالی از اشکال نبوده است. شاعر با درک چنین چیزی موضوع شعر را به فراسوی آن و به حقیقتی اشاره دارد که با تامل و تفسیر قابل درک خواهد بود. مجموعه شعر (طفلی به‌نام شادی) هم جدا از این ویژگی‌های مورد اشاره نبوده است. از این نظر دل سپردن به شعر دکتر شفیعی کدکنی نیز خود یکی از همین ضرورت‌ها بوده است که شاعر با بیان پررزم و راز و با نگاه نمادگونه به بیان موضوع پرداخته است. از دفتر اول مجموعه (زیر همین آسمان و روی همین خاک) دو شعر با نام‌های عروسک و غوک‌نامه که بیشتر با نمادگرایی نزدیکی دارد انتخاب و به بیان تاثیر گذاری آن اشاره دارد.

شاعر در شعر عروسک به روال تک گویی خاطره‌ای را به یاد مخاطب می‌آورد. خاطره‌ای که هنوز در گوشه و کنار شعر از آن با حسرت نام می‌برند. حسرتی که در گذر سال‌ها انتظار آن برآورده نشد و واقعیت شکلی پیدا نکرد و نتوانست آن‌گونه که ادعا می‌شد به اهداف موردنظر دست پیدا کند. شعر برمنی است با اندیشه خاخرق و برکارگیری الفاظ و مفاهیم و کلمات آشنا که ذهن مخاطب را با خود درگیری می‌سازد. اما روزگار نه غنودان بسامان و رفته بر شاعر و تجربه زمستی دیده‌ها و شنیده‌های او آن چنان است که انگار راهی را با دلنگنی‌ها و خاطری نارام پیموده که هیچ چیز ذهن و ضمیر او را بلخوش ناستخه است و برعکس با خاطری آزرده و با تلخکمی روبرو بوده است. از این روی شاعر در غنوک‌نامه غمگناخته خود که زبان نمادی و واقعیت‌های امروزی نظر دارد خواسته است به نوعی به نقد اجتماعی بپردازد. می گوید: «ما چشم در راه بهار دیگری بودیم / ما تشنه و چشم‌انتظار دیگری بودیم/ ما بیقراران مدار دیگری بودیم» شاعر با آوردن فعل بودیم در آخر مصراع به زمان گذشته که چندان هم دور نیست اشاره می‌کند. به‌ویژه کاربرد ضمیر جمع که روح تعالی بخش حضور دیگران را در همراهی با نگاه خود پررنگ و دوچندان می‌سازد. از طرفی از انتظارات برآورده نشده می‌گوید و از کسی که برای تشنه‌کامان چشم‌انتظار به جای سیراب کردن آنها خشکسالی را آورد و از وعده‌های شوق انگیزی که در نهایت چیزی به همراه نداشت. «هم‌چون پیازی پوست‌ها بر پوست‌ها، افسوس!» و زمانی نگذشت که سر از جای دیگر درآوردیم و شد آن چیزی که نباید می‌شد. «شد آسمان بی آسمان و صبح شد بی صبح»

مجموع رویدادها و دگرگونی‌ها شاعر را به عکس‌العمل‌دادشته است. درصدد است همه آن چیزهایی را که برای مدعیانش تعلق خاطر ایجاد کرده به آنها برگرداند. «گلخانه تنگ، چراغ نفتی و گرمایش – وقف تو! ما محو بهار دیگری بودیم» بهاری که در انتظارش بودند نتوانستند از مواهب آن بهره‌مند گردند. با خود می‌گویند وقت آن رسیده که همه پندارها را از خود دور سازیم و راه دیگر پیش بگیریم. «هنج را بکش تا این عروسک راه خود گیرد – ما بی‌قراران مدار دیگری بودیم». اما در شعر بلند (غوک‌نامه) شاعر این‌بار نه برای حسرت روزها و سال‌های از دست رفته گله و شکایت دارد، که با صدای بلند و تعرض گونه به همه آنهایی که با ریا و تزویر و با خودنمایی فرصت طلبانه توانستند چند روزی بر مراد خود دست پیدا کنند و در استفاده از امکانات گوی سبقت را از دیگران برابیند، هشدار می‌دهد.

می‌سراید: «ای غوک‌ها که موج پر آشفته خوابتان – افکنده در تلاطم شط شتابان» دور زمانی نخواهد بود که با موج‌های برخاسته از به‌هم خوردن امواج لاجنحاری‌ها، خواب‌هایتان به گونه دیگر تعبیر گردد و به دنبال چنین تهدیدی و برای انسان‌شدن بیشتر این افراد از ویژگی‌های شخصی و از خلق و خوی آنان نام ببرند. «کوتاه بین و تنگ نظر، گرچه چشم‌ها – از کاسه خانه جسته برون چون حیابان» و اینکه با چه ترنندی به چنین موقعیتی دست پیدا کردید. شکی نیست که همه تلاشتان در فراهم کردن آشنخوری بود تا چند روزی خود دایره دور امور گردید. اما دیر نیست که آمال سراب‌گونه شما تریج و دار تابش آفتاب داغ بخار گردد و از غوکان خسته و خاموش چون شما چیزی برجای نماند و همه را آشفته سازد. «چندان که آفتاب تمودی شود پدید – گردد بخار و سر دهد اندر سraitان» شعر غوک‌نامه از جهاتی ما را به یاد شعر عقاب دکتر خاخری می‌اندازد که چگونه عده‌ای همچون کلاغ با روی آوردن به پستی و پلشتی برای کامیابی و لذت‌جویی به هر لجنزاری سرک می‌کشند تا زندگی دوزیستی خود را رقم بزنند.

«این آبگیر گند که آبشخور شمامت – وین سان بُوَد به کام ایاب و ذهابتان – شرم‌آور است دعوی عقابان»

شاعر در پایان یادآوری می‌کند با وجود این همه ضرر و زیان که دیدیم، دلخوش به این هستیم که مردم چهره شما را بدون نقاب می‌بینند و به داوری می‌نشینند.

تک خوابتان به پهنه مردان نشب
خوش باد تا سحر بدمد آفتابتان
با این همه گزند که دیدیم دلخوشیم

تا بو که خلق درنگرد بی‌نقابان
شعر غوک‌نامه با رنگ مایه اجتماعی و با تعریض به قشر نوپدید افراد جامعه که با نادیده انگاشتن معیارهای اجتماعی – انسانی، ره صدساله را یک شبه پیموذند از مواردی است که شاعر را به تقابل با پدیده‌ها و افرادی واداشت تا با شعر خود، همه آنهایی که از چنین خصلت و سررشتی برخوردارند شک کند، شک به این چیزهایی است که تا چندی قبل حقیقت پنداشته می‌شد. از این نگاه بدبینی شاعری هم‌چون شفیعی کدکنی بخواهد با شک‌گرایی و یا به چالش کشیدن نسبت به افرادی که در غوک‌نامه به شناساندن آنان پرداخته، نقاب زد چهره آنان برآورد. و این چنین است که شاعر در مجموعه (طفلی به‌نام شادی) با به‌کارگرفتن مضامین بکر و ترکیبات بدیع، همراه با نوآوری در کنار دیگر واژه‌ها توانسته است اثری ماندگار و دیرپا از خود بر جای بگذارد.

## {فرهنگ و هنر }



## از ضعف سریال‌های تلویزیونی تا قوت رقیب؛ دلایل صداوسیما برای حذف رقیب

# چرا تلویزیون انحصار سریال‌سازی را می‌خواهد؟

### فاطمه باقلعه‌نژاد

تلویزیون در حالی سودای در دست گرفتن سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی و به دست گرفتن این عرصه را در سر دارد که مدت‌هاست سریال ماندگاری در لیست تولیداتش دیده نمی‌شود و از این نظر انتقادات بسیاری از سوی گروه‌های مختلف به آن وارد شده است.

سال‌ها قبل وقتی اولین سریال‌های شبکه نمایش خانگی در سوپرمارکت‌ها و مراکز مجاز عرضه فیلم و سریال توزیع شدند، تلاش تلویزیون برای سنگ انداختن در راه سریال‌سازی خارج از سازمان آغاز شد. تلاشی که در همان ابتدا کار را به مراجع عالی امنیتی کشور هم کشاند اما در نهایت این وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود که برنده این میدان بود.

این روزها اما بار دیگر این موضوع به چالشی میان سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تبدیل شده است. چالشی که هرچند طرفین ترجیح می‌دهند درباره‌اش اظهارنظری نداشته باشند اما به نظر می‌رسد این‌بار به نفع صداوسیما تمام شود و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی میدان را به رقیب دیرین خود واگذارد. اما عرصه شبکه نمایش خانگی چه زبانی برای تلویزیون دارد و به دست آوردن مالکیت آن چه سودی برای صداوسیما دارد که در تمام این سال‌ها تا این حد برای به دست آوردن آن تلاش کرده است؟

#### انحصار از دست رفته

اولین سریال‌های نمایش خانگی سال ۸۹ تولید و توزیع شدند. درست زمانی که تلویزیون تا حدی در میان بخشی از جامعه جایگاه خود را از دست داده بود. مدیران تلویزیون که آن روزها با گروهی از هنرمندان روبه‌رو بودند که قصد داشتند دیگر با تلویزیون و برای تلویزیون کار نکنند، با مشاهده استقبال از سریال‌هایی که در سوپرمارکت‌ها عرضه می‌شد موقعیت خود را بیش از پیش در خطر دیدند. سریال‌هایی که دیگر برای ساخت نیازی به مجوز و عبور از هفت‌خوان خط قرمزهای عریض و طویل تلویزیون نداشتند و مردم حاضر بودند برای تماشایشان به صورت هفتگی مبلغی بپردازند.

جنگال اول از همان روزها شروع شد. یک رقیب تازه به میدان آمده بود و

# حسین علیزاده روزگار کرونا را چگونه می‌گذراند؟

**بخش فرهنگی** – حسین علیزاده درباره آموزش موسیقی به صورت آنلاین اظهار کرد: من مخالفتی با آموزش آنلاین ندارم ولی خودم در فضای آنلاین حضور ندارم؛ هر از گاهی به بهانه رفه دلنگنی، یک سری کلیپ ضبط می‌کنم و برای هنرجویانم می‌فرستم. این آهنگساز همچنین نقش ردیف در فراگیری موسیقی ایران را پررنگ دانست و گفت: شما هر رشته‌ای را که بخواهید باید از گذشته‌ای عبور کنید تا تجربه به دست بیاورید. جوان‌ها قطعاً باید پایه‌ها را خوب بشناسند. شما در ادبیات نمی‌خواهید تبدیل به سعدی شوید ولی به هر حال باید سعدی را خوب بشناسید. اگر می‌خواهید بیان متفاوتی داشته باشید، باید بیان‌های دیگر را هم بشناسید. اگر ردیف را به‌عنوان حصار بینیم و بگوییم همه تفکران صرفاً باید تقلید از این موضوع باشد، به‌نظرم نتیجهٔ خوبی نخواهد داشت.

حسین علیزاده دربارهٔ جدیدترین فعالیت‌های خود عنوان کرد: در چند ماه گذشته سه موسیقی فیلم کار کرده‌ام و یک سری کار از گذشته دارم که آن‌ها نیاز به ضبط دارند و اگر فرصت شود آن‌ها را ضبط می‌کنم. در حال حاضر به دلیل بیماری کرونا شرایط خاصی را تجربه می‌کنم که قبلاً تجربه نکرده‌ایم. او دربارهٔ فعالیت‌های نشر «تار و پود» توضیح داد: این نشر قرار نیست انتشارات بسیار فعالی باشد. کارهایی که در این نشر انجام می‌شود محدود است. بخشی از آن مربوط به فعالیت‌های خودم می‌شود و بخش دیگر به جوانانی اختصاص دارد که خودم روی ضبط آثار آن‌ها نظارت می‌کنم. در شرایط حاضر فعالیت در این زمینه غیرممکن شده است و حتی در فکرمان است آثار را به‌صورت آنلاین منتشر کنیم، چون تقریباً انتشار فیزیکی بی‌معنی شده است. در این مدت مشغول نوشتن کتاب‌های آموزشی بوده‌ام و در خانه کارهایم را انجام

**بخش فرهنگی** – آیدین آغداشلو-هنرمند نقاش –به‌بهانه‌ی چهارمین سالگرد درگذشت عباس کیارستمی، خاطراتی را از دوست و همکار قدیمی‌اش روایت کرد و از نگاه این هنرمند فقید به زندگی و هنر سخن گفت. آغداشلو که شامگاه یکشنبه (۱۵ تیرماه) با پوریا امین سخن می‌گفت، در سخنانی با بیان این نکته که «چند سال است از درگذشت عباس کیارستمی می‌گذرد وهنوز دنیا جای آسوده‌تری برای یادآوری این خاطرات نشده است»، اظهار کرد: کیارستمی آدم متکثری بود، اما دوست‌های خیلی زیادی نداشت و در دوستی با احتیاط پیش می‌رفت و شاید همین موضوع من را ملزم می‌کند که هر بار به بهانه‌ای برخی نکات را مطرح کنم.

او با اشاره به دوران کودکی خود و زنده‌یاد کیارستمی، خاطرنشان کرد: یک بار در مقاله‌ای نوشته بودم که ما همه در ده قلهک زندگی می‌کردیم و ما بچه‌ها رعیت‌های آن ده بودیم تا اینکه روزگار گذشت و ما همچنان رعیت ماندیم و عباس پادشاه شد. این تعریف از هنرمند بودن و هنرمند شدن هیچ‌گاه میان ما مطرح نبود. ما فقط بچه‌هایی بودیم که کار هنری برایمان یک مشغله فردی بود. همه ما نقاشی می‌کردیم و به همین خاطر هم حاشیه‌امنی داشتیم و به نوعی احترام ما را هم داشتند؛ اما عباس در طول سال‌ها به‌مرور حریم امن خود را افزایش داد و آدم بسیار مهمی شد و هیچ‌وقت پادشاهی خود را در میان ما رعیت‌ها به رخ نکشید.

او یادآور شد: برخلاف من، هنرمند شدن عباس از بچگی چندان مشخص نبود

این توثیت با واکنش عجیب حمید خواجه‌نژاد روبه‌رو شد. روابط عمومی معاونت سیما که گویا از انتقادات در شبکه‌های اجتماعی به زیاده‌خواهی صداوسیما برای در دست گرفتن انحصار سریال‌سازی حساسی شاکی شده است، نوشت: «ساسا وزارت ارشاد در حوزه سینما وظیفه دارد و تعهدی در حوزه سریال‌سازی نداشته، همان‌طور که تلویزیون در ساخت سینمایی ورود نکرده است. خوب است قبل از افزایش شاذ کمی تحقیق کنید و مطلع باشید»

این توثیت و گزاره‌های غلط موجود در آن، خیلی زود با واکنش اهالی رسانه برای معرفی فیلم‌های مختلفی که صداوسیما در طول سال‌های اخیر تولید کرده است روبه‌رو شد. از «مهمان مامان»، «هر شب تنهایی» و «یک خانواده محترم» تا «توپوس شب» و «ده رقصی» و …

گزاره دیگری که در توثیت خواجه‌نژاد مورد توجه قرار گرفت، این جمله بود: «ساسا وزارت ارشاد در حوزه سینما وظیفه دارد و تعهدی در حوزه سریال‌سازی نداشته». جمله‌ای که به نظر می‌رسد از ناآگاهی نویسنده آن نسبت به قانون تاسیس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سرچشمه می‌گیرد. چه اینکه این وزارتخانه مطابق آیین‌نامه‌ای که در سال ۱۳۷۲ با امضای علی لاریجانی وزیر فرهنگ و ارشاد وقت به آن ابلاغ شده است، وظیفه تولید و تامین برنامه‌های ویدئویی را برعهده دارد. آیین‌نامه‌ای که در ماده یک آن به صراحت عنوان شده است: «تولید هر برنامه ویدئویی باید با مجوز ساخت از جانب اداره کل نظارت و ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گیرد.»

در ابتدای این آیین‌نامه هم در توضیح گونه‌های مختلف برنامه‌های ویدئویی از «داستانی، سریال، مستند در زمینه‌های هنری، علمی، آموزشی و همچنین ضبط برنامه‌های نمایشی و تئاتر، انیمیشن و عروسکی» نام برده شده است.

### اگر برنده نیستی، رقیب را حذف کن

در اینکه مدت‌هاست تلویزیون حداقل در ساخت سریال‌های مخاطب‌پسند کارنامه قابل قبولی نداشته اغلب منتقدان این رسانه متفق‌القول هستند. اما نکته‌ای که شاید این روزها بیش از همه به چشم بیاید جدا شدن اغلب کارگردان‌هایی است که سال‌ها قبل سریال‌های ماندگار و پرمخاطب تلویزیون را در کارنامه داشتند اما این روزها ترجیح می‌دهند برای شبکه نمایش خانگی سریال بسازند. از سیروس مقدم که «پایتخت»ش چند سالی برگ برنده تلویزیون در میزان مخاطب و رضایتمندی آنها بود و گویا برایش مهم نیست آخرین فصل سریالش را نیمه‌تمام گذاشته تا حسن فتחי که با وجود تلاش‌های تلویزیون برای بازگرداندنش بار دیگر با سریال «جیران» سودای شبکه نمایش خانگی در سر دارد. از سوی دیگر شبکه سه سیما که همیشه سریال‌های پرمخاطبی در بهترین ساعت روی آنتن می‌برد چندماه‌ی است که حتی با وجود بهره‌گیری از نویسنده سیمرغ‌دار جشنواره فیلم فجر با استفاده از یک شاخ فضای مجازی برای سریال کم‌دی جدیدش هم نتوانسته دل مخاطب را به دست آورد و عملاً بهترین باکس سریال تلویزیون مدتی است کارکرد خود را از دست داده است.

در همین شب‌های گذشته تلویزیون سه سریال «دخترم نرگس»، «شاهرگ» و «آخر خط» را روی آنتن داشته که نگاهی به بازخوردهای این سریال‌های در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد هیچ‌کدام در جذب مخاطب موفق عمل نکرده‌اند و این درحالی‌است که در شبکه نمایش خانگی رقابت سختی میان «آقازاده» و «هم‌گناه» برای جذب مخاطب وجود دارد و این رقابت در شبکه‌های اجتماعی به خوبی خود را نشان داده است.

همه این دلایل در کنار آنچه درباره رونق گرفتن شبکه نمایش خانگی و تلویزیون‌های اینترنتی پس از شیوع کرونا نوشتم، شاید دلایلی باشد که تلویزیون را بر آن داشته که اگر توان رقابت ندارد، به حذف رقیب دست بزند حتی اگر این کار در کلیت عرصه فرهنگ کشور خساراتی هم به بار بیاورد و با تک‌صدایی و انحصاری کردن سریال‌های تولید داخل بار دیگر موجب شود بازار شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان رونق بگیرد.



باید تأثیرگذار باشد و حس داشته باشد.

او در پاسخ به این سؤال که جشنواره موسیقی جوان چقدر توانسته مؤثر باشد توضیح داد: به‌نظرم وجود این جشنواره یکی از اتفاق‌های مثبت موسیقی کشور است. همه اهالی موسیقی بر سر این موضوع اتفاق نظر دارند. واقعاً جنبهٔ منوی آن بسیار قوی است و شرکت‌کنندگان زیادی از سراسر ایران در آن حضور پیدا می‌کنند. جرئت و جسارتشان بسیار ستودنی است. شرکت‌کنندگان قطعاً به این موضوع واقفاند که همه برنده نخواهند شد ولی برای کسب تجربه و نیز به هم در این جشنواره شرکت می‌کنند. معمولاً در ساز سه‌تار، نوازنده‌های جوان دیرتر به پختگی می‌رسند.

# خاطره آیدین آغداشلو از آخرین دیدارش با عباس کیارستمی

که عباس کیارستمی فیلمسازی بلد نیست، او شروع به پیدا کردن نگاه کرد و نگاهش به جهان را نیز به مرور گسترده‌تر کرد. آغداشلو یادآور شد: من خیلی وقت‌ها با او دعوا می‌کردم و برایش نقد نوشتم، ولی هیچ‌وقت منکر نبوغ او نشدم. فقط دعوا بر سر این بود که می‌گفتم تو می‌خواهی به نفس واقعیت برسی و این ممکن نیست؛ اما او این نگاه به نفس واقعیت را همیشه داشت. یکی از قشنگ‌ترین فیلم‌هایی که از او دیدم یک فیلم کوتاه بود که پرنده‌ای به بچه‌هایش غذا می‌داد. از این ساده‌تر و مینیمال‌تر و تکراری‌تر وجود نداشت؛ اما در آخرین لحظه، در آسمان رعد می‌زند و این حس را می‌دهد که اتفاقی در راه است که این امنیت را تغییر می‌دهد و این نگاه خیلی زیبا بود.

آغداشلو همچنین در بخش از سخنان خود، آخرین دیدارش با زنده یاد کیارستمی را روایت کرد و گفت: سال آخر زندگی عباس بیشتر از همیشه می‌دیدمش. وقتی بیمار شد هر روز به عبادتش و بعد از بیمارستان هم به خانه‌اش می‌رفتم. آخرین باری که پیش او رفتم، حالش بهتر بود و فیلم ۲۴ فریم را به من نشان داد و گفت می‌خواهم این را به تو بدهم، چون نقاشی مورد علاقه تو در آن است. به شوخی گفتم از کجا معلوم است که این را به من داده‌ای؟ دیدم فیلم را نشانم داد که روی جلد آن کاغذی است که نقاشی روگل روی آن است و رسماً آن را به من هدیه کرده بود. در آخر لحظه به او گفتم من می‌روم سفر و می‌آیم و تا وقتی برمی‌گردم نسیمی‌ها که او هم گفت باش …

سفر و می‌آیم و تا وقتی برمی‌گردم نسیمی‌ها که او هم گفت باش …